



www.ketab.ir

بررسی مقایسه‌ای قوانین و مشوق‌های
جمعیتی در غرب و ایران

سرشناسه : قاسمی، صالح، ۱۳۵۷ -

عنوان قراردادی : ایران. قوانین واحکام

Iran. Laws, etc

عنوان و نام پدیدآور : نسخه بدلی: بررسی مقایسه‌ای قوانین و مشوق‌های جمعیتی در غرب و ایران /

نویسنده: صالح قاسمی؛ ویراستار: رضا بیات.

تهران: خیزش نو، ۱۳۹۶.

۱۳۰ ص.: نمودار (رنگی): ۱۴/۵/۲۱×۵/۵ س.م.

جنگ جهانی جمعیت: ۱.

شابک: ۹۷۰۷۰-۵-۸-۶۰۰-۹۷۸-۶۵۰۰۰ ریال

وضعیت فهرست نویسی : فیبا

یادداشت : کتابخانه: ص. ۱۲۸ - ۱۳۰.

عنوان دیگر : بررسی مقایسه‌ای قوانین و مشوق‌های جمعیتی در غرب و ایران.

موضوع : تنظیم خانواده -- قوانین و مقررات

Birth control -- Law and legislation :

تنظیم خانواده -- قوانین و مقررات -- ایران

Birth control -- Law and legislation -- Iran :

سیاست جمعیت -- مطالعات تطبیقی

Population policy -- Comparative studies :

تنظیم خانواده -- ایران

Birth control -- :

حقوق تطبیقی

Comparative :

جمعیت -- آینده‌نگری -- ایران

Population forecasting -- Iran :

ایران -- سیاست جمعیت

Iran Population policy :

۱۳۹۶/۲۵ق/۲۰K

۳۴۴/۰۴۸ :

۴۶۳۳۷۸۶ :



خیزش نو

نسخه بدلی

بررسی مقایسه‌ای قوانین و مشوق‌های جمعیتی در غرب و ایران

نویسنده: صالح قاسمی

ویراستار: رضا بیات

طراح گرافیک: سعید دین‌پناه

صفحه‌آرایی: بهار ابرین

ناشر: خیزش نو

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۶

شمارگان: ۲۵۰۰ جلد

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۷۰۷۰-۵-۸

قیمت: ۶۵۰۰ تومان

نشانی: تهران خیابان حافظ پایین تر از طالقانی خیابان رشت پلاک ۶۷

تلفن: ۶۶۹۷۷۵۸۰ (پنج خط)

دورنگار: ۶۶۹۷۷۵۸۱

فهرست

۷	پیش‌گفتار
۱۱	مقدمه
۱۱	سیاست‌های جهانی جمعیت
۱۶	استانداردهای دوگانه برای سیاستمداران و سیاستمداران غربی
۲۴	کاهش جمعیت برای ما، افزایش جمعیت برای غرب
۲۹	فصل اول
۲۹	بازخوانی مشوق‌ها و سیاست‌های افزایش جمعیت در غرب
۳۵	سیاست‌ها و مشوق‌های افزایش جمعیت در آمریکا
۳۹	سیاست‌ها و مشوق‌های افزایش جمعیت در فرانسه
۴۱	مشوق‌های فرزندآوری خانواده‌های فرانسوی
۴۵	سیاست‌ها و مشوق‌های افزایش جمعیت در سوئد
۴۸	سیاست‌ها و مشوق‌های افزایش جمعیت در روسیه
۵۲	سیاست‌ها و مشوق‌های افزایش جمعیت در انگلستان
۵۴	سیاست‌ها و مشوق‌های افزایش جمعیت در ایالات متحده آمریکا

سیاست‌ها و مشوق‌های افزایش جمعیت در رژیم صهیونیستی	۵۶
۱. سیاست افزایش جمعیت اسرائیل با افزایش زاد و ولد	۵۸
۲. سیاست مهاجرت مدیریت شده اتباع یهودی جهان به اسرائیل	۶۰
سیاست‌ها و مشوق‌های افزایش جمعیت در کانادا	۶۱
سیاست‌ها و مشوق‌های افزایش جمعیت در چین	۶۳
سیاست‌ها و مشوق‌های افزایش جمعیت در نروژ	۶۴
سیاست‌ها و مشوق‌های افزایش جمعیت در استرالیا	۶۶
سیاست‌ها و مشوق‌های افزایش جمعیت در ایرلند	۶۷
سیاست‌ها و مشوق‌های افزایش جمعیت در لهستان	۶۸
سیاست‌ها و مشوق‌های افزایش جمعیت در نیوزیلند	۶۹
سیاست‌ها و مشوق‌های افزایش جمعیت در ژاپن	۶۹
سیاست‌ها و مشوق‌های افزایش جمعیت در سنگاپور	۷۰
بازخوانی مرخصی ریمان در قوانین ملی و بین‌المللی	۷۲
فصل دوم	۷۹
بازخوانی اجرای مشوق‌ها و سیاست‌های افزایش جمعیت در ایران	۷۹
قانون جامع تنظیم خانواده و روند کاهش جمعیت ایران	۸۰
مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی برای اصلاح برنامه جمعیت ایران	۸۴
ماده ۱. راهبردهای کلان	۸۴
ماده ۲. راهبردهای ملی	۸۵
ماده ۳. اقدامات ملی	۸۵
تصویب و ابلاغ سیاست‌های کلی جمعیت	۹۱
مشوق‌های جمعیتی در طرح پیشنهادی مجلس شورای اسلامی	۹۴

مداخله آشکار غرب در قبال اصلاح سیاست تحدید نسل ایران	۹۷
مخالفت تأمل برانگیز نهادهای بین‌المللی با سیاست‌های نوین جمعیتی ایران	۹۸
افزایش جمعیت؛ در غرب مطلوب، در ایران نامطلوب	۱۰۳
عدم اهتمام دولت در اجرای قانون مشوق‌های جمعیتی	۱۰۵
تداوم واردات گسترده و عرضه ارزان قیمت لوازم پیشگیری از بارداری	۱۰۷
نافرجام ماندن مرخصی زایمان مادران و پدران	۱۰۸
تغییر معیار سیاست‌های کلان جمعیت در برنامه ششم توسعه	۱۱۱
بحران جمعیت ایران یا بحران جمعیت‌شناسان ایرانی	۱۱۳
کلاس جهانی	۱۲۳

پیش‌گفتار

استانداردهای دوگانه، مواضع چندگانه و رفتارهای متناقض همچون تروریسم خوب و تروریسم بد، حقوق بشر غربی و حقوق بشر شرقی، دموکراسی مثبت و دموکراسی منفی اموری نیستند که مردم و نخبگان جهان از آنها بی‌اطلاع باشند. در عصر حاضر، نظام سلطه بین‌الملل و در رأس آن ایالات متحده آمریکا اصلی‌ترین متهم وضع و اعمال استانداردهای دوگانه و رفتارهای چندگانه و متناقض است که این راهبرد رسوا و غیرانسانی در مقولات مختلفی بروز پیدا کرده است. حمایت از سلطنت دیکتاتوری آل سعود و ادعای دفاع از دموکراسی و همچنین به رسمیت نشناختن دولت رسمی و دموکراتیک حماس در غزه از جمله مصادیق این پنداره‌هاست. ایجاد و حمایت گسترده از گروهک‌های تکفیری تروریستی مانند داعش، فاعده و هم‌زمان شعار مبارزه جهانی با تروریسم و درعین حال حمایت بی‌قید و شرط از تروریسم دولتی رژیم اشغال‌گر قدس، یکی دیگر از بارزترین نمونه‌های این استاندارد دوگانه در جهان است.

کمیت و کیفیت جمعیت کشوری که در چند دهه گذشته از موضوعاتی است که نظام سلطه غربی به شکلی هنرنمادانه آن را مدیریت نموده است و با اعمال الگوهای دوگانه و هدفمند، از سویی در گذشته و مدیریت جمعیت اغلب کشورهای جهان و خصوصاً جوامع مسلمان همچون ایران هستند و از سوی دیگر افزایش جمعیت و اصلاح هرم سنی کشورهای غربی شکل داده ساخته جهانی قدرت را دنبال می‌کنند.

استخدام مفاهیم مقبول انسانی، سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی و سازمان‌های منطقه‌ای از مجامع به‌ظاهر علمی و مرجع جهانی از عمده‌ترین راهبردهای غرب برای نیل به اهداف مدیریت چندگانه جمعیت جهان بوده است.

بسیاری از کشورهای غربی در دهه‌های شصت و هفتاد میلادی از تغییرات خطرناک هرم سنی در جوامع خود نگران شدند و سیاست‌گذاری‌های جامعی را در مسیر اصلاح رفتار باروری خانواده‌ها و حفظ ساختارهای اجتماعی خود با ترمیم هرم سنی در کشورهايشان آغاز نمودند که نمونه‌هایی از این سیاست‌ها و مشوق‌های جمعیتی را مرور خواهیم کرد. نکته قابل توجه و راهبردی در این مقوله این است که کشورهای تشکیل‌دهنده نظام بین‌المللی سلطه، با اعمال نفوذ در سازمان‌های بین‌المللی و استخدام و هدایت این نهادهای ارزش‌گذار در سطح جهان، ایران را با اعمال مشوق جمعیتی برای جوامع خود، با راهبری این مجامع بین‌المللی، سیاست مدیریت و کاهش جمعیت کشورهای به اصطلاح بلوک شرق و علی‌الخصوص ایران را دنبال کرده و می‌کنند که ایران اسلامی یکی از بارزترین قربانیان این سیاست‌ها و دوگانه جمعیتی است.

وقتی در سال ۱۳۷۲ شمسی (۱۹۹۴ م.) قانون جامع تنظیم خانواده در ایران تصویب و با تمام قوا اجرا می‌شد، مآل آن و مجریان اصلی این قانون با استقبال گسترده و تشویق‌های هیجان‌برانگیز نهادهای بین‌المللی روبرو شدند تا جایی که چندین جایزه بین‌المللی جمعیتی به برخی اساتید دانشگاهی و مدیران دولتی مجری این قانون اعطا گردید. ولی وقتی در سال ۱۳۸۳ شمسی (۲۰۱۵ م.) هم‌زمان با اجرای قوانین حمایتی غرب از جمعیت و خانواده، جمهوری اسلامی ایران نیز با اشرف و هدایت‌های رهبر معظم انقلاب اسلامی، سیاست‌ها، جمعیتی گذشته را تغییر داد و به دنبال توقف سیاست تحدید نسل برآمد، فایده‌ای را از اعلان خطر همان کشورها و مجامع بین‌المللی بلند شد. متأسفانه باید گفت در همین زمان عده‌ای از کارشناسان دگرشیفته داخلی نیز با چشم بستن بر قوانین حمایتی و مشوق‌های جمعیتی در ممالک غربی، هم‌صدا با نظام سلطه، اعمال

سیاست‌های تشویقی افزایش جمعیت در ایران را غیرعلمی و حتی خطرناک وانمود می‌کنند.

برای فهم بهترین استانداردهای چندگانه به سؤالات و گزاره‌های زیر توجه فرمایید؛
آیا می‌دانید در نروژ مرخصی زوج‌هایی که بچه‌دار می‌شوند با دریافت صد درصد حقوق از ۴۷ هفته به ۴۹ هفته و با دریافت هشتاد درصد حقوق از ۵۷ هفته به ۵۹ هفته افزایش یافته است؟

آیا می‌دانید در بسیاری از کشورها مانند آلمان، لهستان، ایتالیا، ایالات متحده و ... دسترسی به روش‌ها و وسایل پیشگیری از بارداری را دولت به هیچ وجه پشتیبانی نمی‌کند و سال‌هاست که سیاست قطعی این کشورها حمایت از باروری مبتنی بر افزایش جمعیت است؟

آیا می‌دانید در کشورهایی مانند فرانسه، آلمان و بسیاری از کشورهای دیگر که سیاست‌هایشان در جهت افزایش جمعیت است، زایمان‌ها به طور طبیعی اتفاق می‌افتد و سزارین انتخابی ممنوع قانون دارد؟

آیا می‌دانید ازدواج برای ازدیاد نسل و یهود در اسرائیل عامل مهمی تلقی می‌شود و پذیرفتن آن بر هر یهودی واجب است و وامل کنترل جمعیت، صراحتاً منع شده و در این رژیم تعداد فرزندان مقرر شده برای هر خانواده حداقل پنج فرزند است؟

آیا می‌دانید رتبه نرخ فرزندآوری کشورهایی مانند فرانسه، انگلیس و آمریکا که ما را به کنترل بیشتر جمعیت ترغیب می‌کنند، از نرخ باروری جمهوری اسلامی ایران بالاتر است و کاهش شدید نرخ باروری در ایران در دهه‌های هشتاد و نود میلادی هم‌زمان با افزایش نرخ باروری در این سه کشور بوده است؟

ناگفته پیداست که نظام سلطه در اقدامی کاملاً هدفمند و هوشمند، جمعیت

کشورهای جهان را به دو دسته «جمعیت خوب» و «جمعیت بد» تقسیم نموده و با اعمال مخفیانه سیاست‌ها و استانداردهای دو و چندگانه در صدد مدیریت و کنترل جمعیت کشورهای شرقی و جوامع مسلمان همچون جمهوری اسلامی ایران بوده است و هم‌زمان هدف اصلاح رفتار خانواده‌ها و افزایش جمعیت کشورهای غربی را دنبال می‌کند.

در این کتاب (مجلد دوم از مجموعه جنگ جهانی جمعیت) با بازخوانی قوانین مشی‌های افزایش جمعیت در برخی از کشورها، سیاست‌های دوگانه و چندگانه جمعیتی در جهان آشکار و نمایان خواهد شد.

صالح قاسمی

مقدمه

سیاست‌های چراغ‌گانه جهان جمعیت



در بررسی علل ایجاد سیاست‌های چراغ‌گانه جمعیتی در جهان توجه به چند رخداد اجتماعی مفید خواهد بود. یکی - دوشصت سال گذشته و به دنبال نمایان شدن آثار و تبعات کاهش شدید نرخ رشد جمعیت در بسیاری از کشورهای غربی و آمریکا و ادامه رشد جمعیت در کشورهای آسیایی و اسلامی و همچنین در پی تبدیل شدن جمعیت به یکی از مؤلفه‌های بسیار راهبردی قدرت و تمدن، دوره نوینی از سیاست‌ها و استانداردهای چندگانه جمعیتی را چمن آغاز شد.

در این دوره نظام سلطه بین‌المللی در حالی که کشورهای به اصطلاح کمتر توسعه‌یافته را با ابزار سازمان‌های بین‌المللی به کنترل جدی جمعیت تشویق و تشویق می‌کردند، خود در کشورهاشان سیاست‌های تشویقی مهمی را برای ترغیب خانواده‌ها به فرزندآوری بیشتر و افزایش جمعیت در پیش گرفتند.

از طرفی بسیاری از نظریه پردازان جهانی علم اقتصاد، جمعیت را مهم ترین مؤلفه و نیروی محرک اقتصاد اعلام می کنند^۱ و از طرفی برای برخی از کشورهای پرجمعیت جهان، الگوی کاهش جمعیت برای توسعه اقتصاد پیشنهاد می شود و دائماً خطر کاهش منابع غذایی و کشاورزی بزرگ نمایی و معلول افزایش جمعیت معرفی می شود.^۲ در نمونه ای دیگر از طرفی تئوری های امنیت بر پایه جمعیت در کرسی های علمی و دانشگاهی غرب طرح و تدریس می شود و از طرفی حجم شتراك جمعیت در برخی کشورها عامل ناامنی و بی نظمی اجتماعی معرفی و نمایانده می شود.

هم این که جهان در عصر نوینی از سیاست های جمعیتی چندگانه قرار گرفته است که توجه به «مطالعه جنگ جهانی جمعیت» تا حدودی برای شناخت این دوره مفید خواهد بود. کشورهای توسعه یافته و برخی کشورهای در حال توسعه این زنگ خطر را برای خود به صدا در آورده اند که با پایین آمدن نرخ رشد جمعیت و پیر شدن هرم سنی، نرخ زاد و ولد آنها آن - ناز پایین آمده که در آینده قادر به جبران آن نخواهند بود و باعث انحطاط اجتماعی و روند کاهشی جمعیت آنها خواهد شد. لذا این کشورها به تازگی مشوق های بسیاری را برای افزایش جمعیت و تولد بیشتر نوزادان در نظر گرفته اند، ولی هم زمان به تشویق کاهش بیشتر جمعیت در کشورهای دیگر جهان ادامه می دهند.

۱- «ساموئلسون»، «هارود»، «سولو»، «فلپس»، «کوزنتس» و «آرو»، از جمله مهم ترین چهره های نظریه پرداز اقتصادی و از استادان مشهور علم اقتصاد به شمار می روند که در «نظریه بایستی» در شاخه های مختلف دانش اقتصاد، از بیکاری و تعادل عمومی تا تجارت و فقر، به بررسی و تحلیل تأثیر متغیر «جمعیت» بر اقتصاد نیز پرداخته اند؛ برای نمونه پل ساموئلسون، برنده جایزه نوبل اقتصاد در سال ۱۹۷۰ میلادی، در سال ۱۹۵۸ در مجله اقتصاد سیاسی، مقاله ای با عنوان «یک مدل دقیق وام مصرفی با یا بدون قرارداد اجتماعی پول» چاپ کرد. وی در این مقاله که دستاورد عظیمی به دنبال داشت، اثبات نمود که بهترین عامل تحرک و تکامل اقتصاد «نرخ باروری انسانی» است.

۲- به نقل از پایگاه اطلاع رسانی www.daimun.org/pdf

برای فهم ماهیت و علل بروز این استناداردهای دوگانه باید به واقعۀ اجتماعی بزرگی به نام انقلاب جنسی اشاره کرد که در اواسط قرن بیستم از غرب و خصوصاً آمریکا شروع شد و تمام کشورهای صنعتی را درنوردید.

ماجرای این قرار است که در حوالی سال ۱۹۴۸ م. «بنیاد راکفلر»^۱ از تحقیقات یک حشره‌شناس آمریکایی به نام «آلفرد کینزی»^۲ حمایت کرد. کینزی که خود یک پسر بود، از طریق نگارش دو کتاب توانست زمینهٔ تثوریک فروپاشی خانوادۀ آمریکایی را فراهم کند. تحقیقات وی مقدمات تغییر قوانین مرتبط با جرائم جنسی را فراهم آورد و پایه‌ای برای آموزش جنسی کودکان و جوانان غربی شد. وی در این دو کتاب با عنوان «عریق آمارسازی‌های عجیب، بی‌اخلاقی‌ها و بیماری‌های جنسی از جمله خیانت و مجنس‌گرایی را شایع و عادی جلوه داد. کینزی در یکی از سخنرانی‌هایش که به «بیانی»^۳ «فدراسیون فرزند پروری تنظیم‌شده»^۴ برگزار شده بود، ادعا کرد که ۹۵ درصد زنان باردار، مجرد هستند. پژوهش‌های وی تا حدی مغرضانه است که در کتاب ۸۰ صفحه‌ای او در مورد مسائل جنسی زنان، حتی یک بار هم به واژهٔ مادری اشاره نشده است.

البته در مسیر نابودی خانواده در غرب، در عوامل عمدهٔ دیگر نیز به کمک برخی

۱- بنیاد راکفلر، یک نهاد خصوصی و مدعی فعالیت‌های بشرستانه است که در شهر نیویورک قرار دارد. این بنیاد که تاکنون توسط شش نسل از خانوادۀ راکفلر در آن اداره شده است، توسط سرسلسلۀ این خاندان، جان دیویس راکفلر، ثروتمندترین مرد تاریخ آمریکا و مؤسس کمپانی استاندارد اویل، در ۱۹۱۳ تأسیس شد. در طول تقریباً یک قرن فعالیت، ادعای این بنیاد فعالیت برای زندگی بهتر بشر در سراسر جهان بوده است.

۲- آلفرد کینزی بعدها در رسانه‌های غربی به پدر انقلاب جنسی شهرت یافت.

۳- فدراسیون فرزند پروری تنظیم‌شده آمریکا (PPFA) که معمولاً مخفف آن به صورت فرزند پروری تنظیم‌شده به کار می‌رود. شاخهٔ آمریکایی فدراسیون بین‌المللی فرزند پروری تنظیم‌شده و یکی از بزرگ‌ترین اعضای آن است.

از سرمایه‌داران و دانشمندان غیرمتعهد آمدند؛ فعالیت «جریان‌های فمینیستی»^۱ و همچنین اختراع و تولید انبوه قرص‌های جلوگیری از بارداری. بنا به تحلیل جامعه‌شناسان غربی، این قرص‌ها کمک کردند که زنان غربی بتوانند بدون اندیشیدن به عواقب رفتارهای جنسی خود از جمله ابتلا به بارداری غیرمشروع، به رفتارهای جنسی غیراخلاقی بپردازند. در غرب، به تولید انبوه وسایل ضدبارداری، «انقلاب وسایل جلوگیری از بارداری»^۲ می‌گویند که کمک بسیاری به فروپاشی خانواده در غرب کرده است.

بنا به آمارهای رسمی، در آمریکا به‌طور متوسط و در این جامعه دچار دگرگونی‌های اساسی در بسیاری از ارزش‌ها و رفتارهای اجتماعی شد. زنان و مردان آمریکایی به تدریج، ازدواج را به تأخیر انداختند، فرزندان کمتری به دنیا آوردند و آمار طلاق بیشتر شد. وقوع انقلاب جنسی فاجعه جمعیت، ناخوشایندی برای غرب به بار آورد و باعث شد نرخ باروری در آمریکا که در سال ۱۹۵۰، ۳/۱۰۰ فرزند رسیده بود، در سال ۱۹۷۶ به عدد ۱/۷۴ برسد؛ یعنی این فاجعه اجتماعی تعداد متوسط فرزند زنان را به کمتر از نصف تقلیل داد.^۳

بالاخره وقوع بحران در مسئله کلان و استراتژیک جنس جمعیت، عواقب

۱- فمینیسم (Feminism) مجموعه گسترده‌ای از باورهای است که به موجب جنبش‌های سیاسی و اجتماعی برای رسیدن زنان به حقوق برابر صورت گرفته است. فمینیسم بیشتر بر تمرکز خود را معطوف به تهدید نابرابری‌های جنسیتی و پیشبرد حقوق، علایق و مسائل زنان کرده است و عمدتاً از اواخر قرن هجدهم پدید آمد.

2- Contraceptive Revolution

۳- این روند کاهشی، همزمان با انقلاب جنسی در آمریکا، با تأخیری چندساله در اروپا نیز تکرار شد و به عنوان مثال در فرانسه نرخ باروری کل از ۲/۹ در سال ۱۹۶۴ به ۱/۸ در سال ۱۹۷۸ رسید. در آلمان نرخ باروری از ۲/۵ در ۱۹۶۷ به ۱/۴ در ۱۹۷۷ و در ایتالیا نرخ باروری از ۲/۷ در ۱۹۶۴ به ۱/۷ در ۱۹۸۰ نزول کرد.

هولناکی برای غرب به دنبال داشت. غرب هنگامی که خانواده و جمعیت زیاد و جوان را از دست داد، تازه به ارزش حقیقی این دو مزیت بزرگ پی برد و همین مسئله سبب شد که خانواده و جمعیت، به عنوان مؤلفه های اساسی قدرت در ادبیات اندیشمندان غربی نمود یابد. به عنوان نمونه «هانتینگتون»^۱، اندیشمند آمریکایی و نظریه پرداز جنگ تمدن ها با بیان اینکه در غرب فساد در خانواده شامل افزایش رخ طلاق، فرزندان نامشروع، حاملگی در سن نوجوانی و خانواده های تک وال به شایستگی افزایش داشته است، می گوید: «آینده غرب و نفوذ آن بر جوامع دیگر تا حدود زیادی بستگی دارد به اینکه غرب در برخورد با این مشکلات که به برتری اخلاقی مسائل آنها، سپایی ها منجر شده است، تا چه حد موفق باشد»^۲.

آری فروپاشی خانواده به دنبال آن کاهش فرزندآوری زنان غربی که همسوبا نگرش سکولار غرب در زندگی فردی، وحشت اندیشمندان غربی را به دنبال داشت تا جایی که «برژینسکی»^۳ استراتژیست رجسته غربی و مشاور امنیت ملی دولت جیمی کارتر می گوید: «سکولاریسم غربی ساء یک موج فرهنگی است که در آن لذت گرایی، خوش گذرانی و مصرف گرایی، مفاهیم اصلی یک زندگی خوب را تشکیل می دهند. «سکولاریسم»^۴ عنان گسیخته که بخش اعظمی از غرب را

۱- ساموئل هانتینگتون (Samuel P. Huntington)، (۱۹۲۷ - ۲۰۰۸) نظریه پرداز شهیر آمریکایی بود. وی به خاطر نظریه برخورد تمدن ها و پیش بینی کشمکش چهار جهان با جهان اسلام شهرت جهانی پیدا کرده بود.

۲- نظریه برخورد تمدن ها و بازسازی نظم جهانی، ساموئل پی هانتینگتون، ترجمه محسن میری، ص ۱۷۹

۳- زبیینگئو برژینسکی (Zbigniew Brzezinski) (۱۹۲۸ م.) ژئواستراتژیست و سیاست مدار لهستانی- آمریکایی است. وی مشاور امنیت ملی در دولت جیمی کارتر بود.

۴- سکولاریسم (sécularisme) عقیده ای است مبنی بر جدا شدن نهادهای حکومت و کسانی که بر مسند دولت می نشینند، از نهادهای مذهبی و مقام های مذهبی. مفاهیمی مانند جدایی دین از سیاست، جدایی کلیسا و حکومت در آمریکا، و لاتیسیته در فرانسه بر پایه سکولاریسم بنا شده اند.

فراگرفته است، در درون خویش نطفه خودویرانی فرهنگی را پرورش می‌دهد. به همین علت من نگران آن هستم که موقعیت ابرقدرتی آمریکا تا حدود زیادی متزلزل باشد.»^۱

در نهایت اندیشمندان غربی اعم از اقتصاددانان و سیاستمداران، به این نتیجه رسیدند که غرب برای حفظ سلطه جهانی خود و فائق آمدن بر سلسله بحران‌هایی پس از انقلاب جنسی رخ داده بود، دو راه بیشتر ندارد. نخست بازگشت به «بحران زندگی خانواده محور و بازتولید جمعیت جوان و پویا که با توجه به عمق تفرات صورت گرفته در غرب، بسیار سخت و طولانی مدت به نظر می‌رسید و دوم ک اجتناب نرود، ترفندی بود به نام «انتقال بحران جمعیت» به شرق و کاهش جمعیت این کشورها.

به بیان ساده‌تر، غرب از گنه استدلال نمود که ما خانواده و جمعیت را به عنوان دو مؤلفه اساسی قدرت در دست داده‌ایم و راه بازگشت به جمعیت فعال و زندگی خانواده محور را بسیار دشوار سازمزدت می‌دانیم. فلذا بهتر است این دو مؤلفه قدرت را تحت عناوین و سازمان‌های بین‌المللی در حوزه‌های سیاسی رقیب از بین ببریم. این مقطع مهم در تاریخ جمعیت در جهان، سرآغاز دگرگونی‌های نوینی در عرصه جمعیت بین‌المللی بود که می‌توان آن را آغاز پیدایش «استانداردهای دوگانه جمعیتی» دانست.

استانداردهای دوگانه جمعیتی از منظر اندیشمندان و سیاستمداران غربی

اسناد زیادی که از قضا بسیاری از آنها متعلق به سازمان ملل متحد هستند، اثبات می‌کند که از سال‌ها پیش، طرح‌های بین‌المللی مهمی برای کاهش

۱- نظریه برخورد تمدن‌ها و بازسازی نظم جهانی، ساموئل پی هانتینگتون، ترجمه مجتبی امیری، ص ۱۹۶

منطقه‌ای جمعیت جهان توسط برخی از قدرت‌های غربی تدوین شده است. اظهارات افراد متنفذ و سازمان‌های بین‌المللی مختلف نشان می‌دهد که این نقشه، هنوز هم در دستور کار غربی‌ها قرار دارد. اساس و مبنای کاهش تعمدی و هدفمند جمعیت یا همان جمعیت‌زدایی، فرمولی است که خواص سیاسی در غرب، علاقه بسیاری به آن دارند. «دیالکتیک هگلی» طرز تفکری است که بر سه مرحله استوار است: مشکل، واکنش و راه‌حل. مشکل را درست کنید، واکنش را ایجاد کنید، و راه‌حل را ارائه دهید.

در عصر حاضر به وضوح می‌بینیم که بالاترین مقامات غربی، چگونه در مسئله جمعیت جهان، مشکل را ایجاد کرده‌اند، واکنش را شکل داده‌اند و راه‌حلی مرگ‌بار را هم ارائه نموده‌اند. نکته بسیار مهم اینکه این نخبگان جهانی با اعمال هوشمندانه استاندارد دوگانه از جمعیت مطلوب، طرح‌های کاهش جمعیت کشورهای کمتر توسعه‌یافته و خصوصاً اسلامی را از طرق متعدد مثل نهادهای بین‌المللی دنبال می‌کنند و در هر حال، برنامه‌های جامعی از سیاست‌ها و مشوق‌های افزایش جمعیت برای برخی از کشورهای غربی تجویز می‌نمایند و با دقت کامل و تمام قوا در دستور کار قرار می‌دهند.

بسیاری از تلاش‌ها برای کاهش هدفمند جمعیت جهان، اساس این منطق صورت می‌گیرد که منابع طبیعی در دنیا در حال تمام شدن است و جمعیت موجود جهانی، این روند را تسریع و در نتیجه، بشریت را با خطر انقراض مواجه می‌کند. از جمله اقداماتی که برای توجیه استانداردهای دوگانه جمعیتی صورت گرفته است، انتشار کتاب «اولین انقلاب جهانی»^۱ توسط اندیشکده بین‌المللی «پارم»^۲

۱- تئوری مشهور دیالکتیک هگل بنا بر نظر بسیاری از اندیشمندان، مثلث تز، آنتی‌تز و سنتز است.
 ۲- کتاب «اولین انقلاب جهانی» (The First Global Revolution) در سال ۱۹۹۱ توسط الکساندر کینگ و برتراند اشنایدر نگاشته شده و توسط باشگاه رم به عنوان یک طرح برای قرن ۲۱ منتشر شد.
 ۳- باشگاه رم (The Club of Rome) یک اتاق فکر سری جهانی است که به انواع مسائل

در سال ۱۹۹۱ م. بود. این اندیشکده در سال ۱۹۷۲ نیز کتاب دیگری را با عنوان «محدودیت‌های رشد»^۱ به چاپ رسانده بود. در آن کتاب هم سناریوها و معضلات مختلفی پیش‌بینی شده بود که رشد جمعیت کشورهای کمتر توسعه‌یافته در آینده دنیا به وجود می‌آورد.

در ادامه به اظهارنظرهایی می‌پردازیم که توسط مقامات و سازمان‌های غربی و بین‌المللی دربارهٔ مشکل جمعیت در دنیا و معضلات پیش روی آنها برای تحقق اهدافشان و همچنین لزوم حفظ جمعیت اقلیتی از جوامع ثروتمند و صاحب قدرت در جهان مطرح شده است.

«سام کین» نویسنده و فیلسوف آمریکایی در این باره می‌گوید:

«... باید با وضوح بیشتری در مورد روابط جنسی، پیش‌گیری از بارداری، سقط جنین، و ارزش‌های دیگری صحبت کنیم که منجر به کنترل جمعیت جهان می‌شود، چون بحران‌های زیست‌محیطی دلیلی جزیرانی نیست، ندارند. اگر جمعیت غیرمفید دنیا را تا ۹۰ درصد کاهش دهیم، دگر آ قدر، جمعیت نخواهیم داشت که بتوانند آسیب زیست‌محیطی زمین بزنند.»^۲

«بری کامنر»^۳ سیاستمدار و بیولوژیست آمریکایی، در کتاب خود موسوم به «صلح کردن با سیاره» می‌نویسد:

بین‌المللی می‌پردازد. در سال ۱۹۶۸ در رم، مرکز ایتالیا، تأسیس شد. باشگاه رم خود را به عنوان یک گروه از شهروندان جهان معرفی می‌نماید که یک نگرانی مشترک برای آینده بشریت دارند. این محفل محرمانه از سران فعلی و سابق دولت‌ها، سازمان ملل متحد، سانسداران عالی و مقامات دولتی، دیپلمات‌ها، دانشمندان، اقتصاددانان و رهبران کسب و کار جهان تشکیل شده است و از جولای ۲۰۰۸، مقر این سازمان به ویتنرتور در سوئیس منتقل شد.

۱- The Limits to Growth

۲- «The Final Countdown» این جملات به «میخائیل گورباچف» آخرین رئیس‌جمهور شوروی نیز نسبت داده شده است.

۳- بری کامنر (Barry Commoner) (۱۹۱۷) نویسنده و زیست‌شناس آمریکایی، سیاستمدار و یک بوم‌شناس پیشرو در میان بنیانگذاران جنبش‌های زیست‌محیطی مدرن بود.

«پیشنهادهایی مطرح شده که می‌تواند ملت‌های عقب‌مانده را به کام مرگ بکشد. طرح‌هایی برای مجبور کردن افراد به داشتن تعداد محدودی فرزند وجود داشته است، چه با استفاده از ابزارهای فیزیکی و چه حقوقی. اکنون کارشناسان به ما می‌گویند به جای گسترش تلاش‌های خود برای کمک به مردم گرسنه و ضعیف در جهان، این تلاش‌ها را محدودتر کنیم تا نسل مفید بشر محفوظ بماند.»^۱

«ویل»^۲ و «کوهن»^۳ وزیر دفاع سابق آمریکا، در ۲۸ آوریل ۱۹۹۷، در کنگره گفت:

«گزارش‌هایی وجود دارد که نشان می‌دهد اقلیتی در تلاش بوده‌اند تا - بر سر شده به «ویروس ایولا»^۴ بسازند که این واقعیت خطرناکی است. برخی دانشمندان در آزمایشگاه خود تلاش کرده‌اند انواع خاصی از عوامل بیماری‌زا را ایجاد کنند که ویژگی‌های قومیتی را تشخیص بدهد، این: معنا که فرمول آنها برای از بین بردن گروه‌های خاص قومی و نژادی در حواص مورد نظر نوشته شده باشد. عده‌ای دیگر دست به تروریسم زیست‌محیطی زده‌اند؛ تلاش می‌کنند آب و هوای یک منطقه را با استفاده از «واج الکتریک مغناطیسی» تغییر دهند، از جمله ایجاد زمین‌لرزه و آتش‌فشان از راه دور. بی‌نابودی یک جمعیت خاص هدف^۵، فرم‌های پیشرفته تسلیحات بیولوژیکی که می‌تواند انواع خاصی از ژن‌ها را هدف قرار دهد، می‌تواند به عنوان بیولوژیکی را

۱- نسخه الکترونیکی کتاب صلح کردن با سیاره (Making Peace With the Planet)، بری کاسنر، ص ۱۹۴

۲- ویلیام اس. کوهن، سناتور سابق عضو حزب جمهوری خواه (۱۹۷۹ م. - ۱۹۹۷ م.) و وزیر دفاع ایالات متحده آمریکا (۱۹۹۷ م. - ۲۰۰۱ م.) بود.

۳- ویروس ایولا یا ایبولا (Ebola virus) یکی از کشنده‌ترین ویروس‌ها است که باعث بیماری شدید در انسان و پستانداران می‌شود. ایولا به طور مکرری در میان انسان‌ها در آفریقا و برخی از نقاط دیگر جهان شایع است.

از قلمرو تروریسم خارج و به یک ابزار سیاسی مفید برای یک اقلیت جهانی تبدیل کند.^۱

«ژاک کوستو»^۲ بوم‌شناس و محقق فرانسوی در سال ۱۹۹۱ در مصاحبه با مجله «یونسکو کوریر» درباره لزوم مدیریت دوگانه جمعیت جهانی می‌گوید:

«خیلی بد است که مجبوریم این را بگوییم، اما جمعیت مفید دنیا باید تثبیت شود و به این منظور، باید روزی ۳۵۰ هزار نفر از جمعیت غیرمفید را حذف کنیم.»^۳

«برتراند راسل»^۴ فیلسوف، تاریخ‌دان و فعال سیاسی و اجتماعی مشهور انگلیسی در کتاب «تاریخ علم در جامعه» در سال ۱۹۵۳ م. می‌نویسد:

«ما وارد نمی‌کنیم که کنترل بارداری تنها راه جلوگیری از افزایش جمعیت جهان است. جنگ و کشتار تاکنون در این رابطه ناامید کننده ظاهر شده است، اما شاید جنگ‌های باکتریایی و بیولوژیکی مرگ‌آمیز تر باشند. گرتن در هر نسل، یک بار «مرگ سیاه»^۵ را در سراسر جهان گسترش داد، بازماندگان ارزشمند جهانی می‌توانند آزادانه و بدون اینکه جهان بیش از حد پر شود، تولید مثل کنند. سه راه برای ثبات جمعیت مفید جهان عبارتند از: کنترل بارداری، کشتن نوزادان و مردم یا جنگ‌های بسیار مخرب و ویرانگر کردن عموم مردم

۱- The Publishing Truth Behind the Ebola Outbreak

۲- افسر با سابقه نیروی دریایی، بوم‌شناس و محقق برجسته فرانسوی

۳- نسخه الکترونیکی کتاب: مراسم تحلیف من در قیامت (My Inaugural Address at the Great White Throne Judgment of the Dead)، الین مایلر، ص ۳۶۳

۴- برتراند آرتور ویلیام راسل (Bertrand Arthur William Russell) (۱۸۷۲-۱۹۷۰)، فیلسوف، منطق‌دان، ریاضی‌دان، مورخ، جامعه‌شناس و فعال سیاسی بریتانیایی بود که در قرن بیستم می‌زیست.

۵- اشاره دارد به اپیدمی طاعون در قرن ۱۴ که منجر به مرگ حدود ۲۰۰ میلیون انسان شد.

جهان، به استثنای یک اقلیت قدرتمند و مفید.^۱ روشن است که با دقت در عبارت «اقلیت قدرتمند و مفید» مفهوم کاملاً روشنی به ذهن متبادر می‌شود.

«تئودور روزولت»^۲ رئیس‌جمهور اسبق آمریکا در ۳ ژانویه ۱۹۱۳ طی نامه‌ای به «چارلز داوینپورت»^۳ از بیولوژیست‌های برجسته آمریکایی و طرفدار ایدئولوژی اصلاح نژاد، هدفمند انسان‌ها می‌نویسد:

من شدیداً دوست دارم که انسان‌های غیرمفید و نادرست به طور کامل از بین برد. ولد منع شوند. این کار باید هنگامی که ماهیت شیطانی این افراد به اندازه کافی آشکار شد، انجام شود. جنایت‌کاران و افراد کم‌عقل، چون اید عقیم شوند تا نتوانند فرزندی از خود به جای بگذارند. باید رری زاد و ولد افراد و جوامع مطلوب و مفید جهانی تمرکز کرد. جامعه جهانی به هیچ‌عنوان نباید به افراد فاسد اجازه تکثیر نوع خود را بدهد. هر کشاورزی که اجازه دارد و ولد به همه دام‌های خود نمی‌دهد. یک روز ما متوجه خواهیم شد که مهم‌ترین وظیفه و وظیفه غیرقابل اجتناب شهروندان خوب جهانی این است که خون خود را بعد از خودشان در جهان باقی بگذارند. یعنی آنکه باید اجازه تداوم نسل مردمی را بدهیم که از نوع نامناسب جمعیت جهان هستند. مشکل بزرگ تمدن این است که بتواند امکان افزایش افراد با ارزش در

۱- نسخه الکترونیکی کتاب: تأثیر علم در جامعه (Impact of Science on Society)، ترجماندا راسل، ص ۱۱۶

۲- تئودور روزولت (Theodore Roosevelt) (۱۸۵۸ - ۱۹۱۹) بیست و ششمین رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا از حزب جمهوری خواه بود.

۳- چارلز بندیکت داوینپورت (Charles Davenport) (۱۸۶۶ - ۱۹۴۴) یک آمریکایی و متخصص علوم بیولوژی و از رهبران جنبش اصلاح نژادی آمریکایی بود.

مقابل عناصر کم ارزش یا مضر در جمعیت جهان را، تأمین کند.^۱
«تد ترنر»^۲ مؤسس شبکه سی ان ان معتقد است:

«وضعیت ایده آل این است که کل جمعیت دنیا بین ۲۵۰ تا ۳۰۰ میلیون نفر باشد، یعنی ۹۵ درصد از جمعیت غیرمولد کنونی جهان کم شود.»^۳

مایکل کافمن^۴ سیاستمدار آمریکایی طی جلسه ۹ سپتامبر ۱۹۹۴ سازمان ملل با موضوع ارزیابی تنوع زیستی با نگاه به تثبیت جمعیت بشری گوید:

«یک تخمین معقول درباره جمعیت مطلوب در دنیای صنعتی با سطح رفاهی به اندازه استاندارد زندگی در آمریکای شمالی، یک میلیارد نفر است. جمعیت دنیا باید ظرف ۳۰ تا ۵۰ سال به این میزان برسد. و سطح جمعیت جهان باید کم شود.»^۵

«هنری کیسینجر»^۶ نظر پرداز و وزیر خارجه اسبق آمریکا در سال ۱۹۷۴

۱ - T. Roosevelt letter to C. Davenport about degenerate reproducing

۲ - تد ترنر مؤسس اصلی شبکه CNN است که در آغا ۲۰ میلیون دلار در این شبکه سرمایه گذاری کرد. در حال حاضر ثروت وی بیش از ۲٫۱ میلیارد دلار تخمین می شود. وی رقیب اصلی رابرت مرداک، یکی دیگر از غول های رسانه ای جهان و صاحب ده ها رسانه، ایستگاه تلویزیونی خصوصاً رئیس اصلی ترین تلویزیون رقیب CNN است. وی گهگاه اظهار می نماید جنگالی انجام می دهد. ۳ - نسخه الکترونیکی مقاله «نقل قول هایی درباره کنتنر جمعیت» *Population Control* ۲۰۰۱. Quotes That Show That The Elite Truly Believe That Humans Are A Plague Upon The Earth. مایکل اسنایدر (Michael Snyder)، برگرفته از پایگاه اطلاع رسانی www.thetruthwas.com. ۴ - مایکل کافمن (Michael Kaufman) (۱۹۵۱) نویسنده و نظریه پرداز کانادایی، آمریکایی، یکی از بنیانگذاران کمپین «رویان سفید» در سال ۱۹۹۱ و عضو ارشد مؤسسه اجتماعی Promundo در واشنگتن دی سی بوده است.

۵ - متن سخنرانی مایکل کافمن در کنفرانس بین المللی جمعیت و توسعه (International Conference on Population and Development) (۵-۱۳ سپتامبر ۱۹۹۴، قاهره، مصر)، برگرفته از پایگاه اطلاع رسانی یونسکو به نشانی: www.un.org

۶ - هنری افرد کیسینجر (Henry Alfred Kissinger)، دیپلمات معروف آمریکایی و مشاور اسبق

برنامه‌ای ارائه کرد که طی آن از غذا به عنوان یک سلاح استفاده می‌شد. این برنامه را در «یادداشت شماره ۲۰۰»^۱ در سند تحقیقات امنیت ملی سال ۱۹۷۴ می‌توان دید. عنوان این یادداشت «پیامدهای جهانی رشد جمعیت برای امنیت و منافع آمریکا» نام داشت و یک سال بعد یعنی در ماه نوامبر سال ۱۹۷۵، به عنوان سیاست رسمی جرالدهاورد، رئیس‌جمهور وقت آمریکا به تصویب رسید. این یادداشت، یک طرح مخفیانه برای کاهش جمعیت در کشورهای کمتر توسعه یافته با استفاده از کنترل جمعیت ربه‌مارر ضمنی، جنگ و قحطی بود. این در حالی بود که آمریکا و غرب اجرای سیاست‌های کنترل جمعیت در کشورهای خودشان را بر نمی‌تافتند. از نظر کیسینجر، شایرنداز جامعه جهانی به دو دسته «مولد» و «خورنده بی مصرف» تقسیم می‌شوند که باید از من کاهش جمعیت انسان‌های بی مصرف از نسل انسان‌های به زعم خودشان مفید و فایده‌بخش با غربی محافظت نمود.

وی در سال ۱۹۷۸ و پنج سال بعد دریافت جایزه صلح نوبل، می‌گوید:
 «سیاست آمریکا و غرب در برخورد با خود، قبال کشورهای جهان سوم، باید سیاست جمعیت‌زدایی باشد»

امنیت ملی ایالات متحده آمریکا در ۲۷ مه ۱۹۲۳ در خانواده‌ای یهودی، اصل در کشور آلمان، شهر فورث به دنیا آمد. او در سال ۱۹۳۸ به همراه خانواده از آلمان به آمریکا پناهنده شد. وی در دوره ریچارد نیکسون به عنوان وزیر امور خارجه آمریکا خدمت کرد. در سال ۱۹۷۳ به خاطر تلاش‌هایش برای پایان بخشیدن به جنگ ویتنام جایزه صلح نوبل را دریافت کرد. از وی به عنوان استراتژیست ارشد جهان نام می‌برند.

۱- در سال ۱۹۷۴ م. پیمانی موسوم به «توافقتنامه ۲۰۰» (NSSM 200) منعقد شد که طراحان آن، کیسینجر بود. این پیمان تا سال ۱۹۸۹ م. محرمانه ماند و موضوع آن عبارت بود از بررسی رشد جمعیت در جهان و آثار آن بر امنیت ایالات متحده و منافع خارجی آمریکا و چگونگی مدیریت جمعیت در جهان.

۲- نسخه الکترونیکی کتاب: ایدز، تریاک، الماس، و امپراتوری: ویروس‌های کشنده حرص و آز بین المللی (AIDS, Opium, Diamonds, and Empire: The Deadly Virus of International Greed)،

نانسی تورنر بانکس، ص ۱۶۱